

شنبه
۱۰ آذر ۱۳۹۸
۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۱
شماره ۱۷۵

ارزنگ حاتمى

بر اساس یافته‌های ما، برآنکو در اتاق خوابش، روبه‌روی
بخش، تابلویی زده که روی آن با خط خوش یک شعر
شسته است تا صبح به صبح که بیدار می‌شود، آن را ببیند
و روز را با انگیزه شروع کند، معنی این بیت شعر که به
کراتون نوشته شده است، این شرح است: «دست
طلب ندارم تا کام من بر آید؛ یا تن رسد به جانان یا جان ز
من در آید» و خب، کیست که نداند منظور از جانان در این
بیت همانا «رسیدن به پست سرمیگری تیم ملی ایران»
است؟ حتی شنیده شده‌است که فکر کردن زیاد به تیم
ملی باعث استرس و در نتیجه سردردها و تپ‌های عصبی
بر آنکو شده است که دکترها امیدوارند که به پیوستن
تیم ملی ایران بیهوده پیاید.

را نکودر این مدت، دمام یاد آن بیت شعری می‌افشد که کسی‌روش در روزهایی که حسابی از خجالت هم‌درمی‌آمدند، برایش پیامک کرده بود: «سرا فوتبال ایران انه تو دانی و نه من، نامه‌های سربسته تاج رانه تو خوانی نه من، پشت پرده تصمیم می‌گیرند برای من و تو، چون صل به اتمام برسد، نه تو مانی و نه من.» و بعد به این فکر می‌کند که کسی‌روش چه خوب این روزها را پیش‌بینی کرده بود.

نقشه می شود برانکو بعد از رفتن از ایران - هزینه های دیگری کمی افزایش یافته است. او چند سال را بسته به نتایج مذاکره نگذاشته است و هر هفته یک بلیت برای بازگشت به ایران رزرو می کند. وقتی از او پرسید دانه از یک نفر بلیت، رزرو و بعدش کنسل می کنی، گفته است: «نخوابه زیگ برزن بگن بیاسرمری تیم ملی ایران شو و بلیت بگیرم و بعد اکر بمقیانقر نو سرمری تیم ملی کن؟» و گفت وقتی کسی به او نمی زده، هر هفته بلیت از کنسل و دوباره بلیت جدید برای هفته بعد می خریده است. ما اخیراً برای جدید حاکی از آن است که محمدرضا صافق مدیر ایران در کراسی به دیوار برانکو رفته و گفته است: «ای پاشنه فوتبال، داد از پلموس و ناکارای تیم ملی می تو به جان آمد، وقت است که باز ای!» و برانکو هم همان جا سر در در زمین و ایضا تکبیر علیه اش خوب نشاند و با شامانیا گفته است: «خوب شد، خوب شد... خوب شد»

راستگو

خبرگزاری‌های محترم با لطف و دست تیر برزیده، بعد از آنکه رتیر یکی از سایت‌ها خواندیم: «عضو شورای شهر تهران مردم تشک خوشخواب، صندلی و میل‌هایشان را در کانال‌ها می‌ریزند». دلمان هزار راه رفت. اولش فکر کردیم منظورمون کانال‌ها، همین کانال تلگرامی اوست و بعد هر چه می‌خواندیم خودمان فکر کردیم، یادمان نیامد که تشک خوشخوابی در کانال‌ها دیده باشیم. بعد با خودمان فکر کردیم شاید منظورشان اینست گرام بوده است ولی با هم یادمان نیامد که عسکی را از هیئتگاه «من و تشک خوشخواب خودمان» بپیکه‌وی دیده باشیم. با خواندن شرح شرح متوجه شدیم که موضوع کانال چیز دیگری بوده است: «رئیس کمیسیون سلامت و محیط‌زیست شورای اسلامی شهر تهران گفت: ما باید روی‌ها بعضاً شاید بودیم تشک خوشخواب، صندلی و میل‌ها در کانال‌ها یا فضاها ریخته شده که این کانال‌ها را هر قدر هم عریض باشند، بالاخره آب پشت این وسایل می‌گردد. کمی فرهنگ شهروندی داشته باشید؛ آخر چرا تشک‌ها را می‌ریزید تو ی کانال‌ها؟ دیگر نپاشش بالشت تو در کانال بریزد. اگر هم خواهی خواستی بی فرهنگ باشی، متو در کانال ببندازد. این تشک خوشخواب، صندلی و میل‌ها را در کانال ببندازد. این کار از ریختن قیমে‌ها در ماست‌ها هم بدتر است. کمی مراعات کنیم.

یک توفیق اجباری: اولین برف پاییزی در حالی بارید که خبری از پست‌ها و استوری‌های برفی در اینستاگرام نبود

اولین برف پاییزی پتجنشبه بایک
سحر خیزی خاص ریخت روی سر
شهر و آدم هایش. این برف اما با
باقی برف هایی که این چند ساله
باریده بود، تفاوت داشت. فرقی
هم زیاد بود؛ برف امسال در حالی
به دسترسی به اینستاگرام برای
مکن نبود. تجربه برف بدون
اگرام، تجربه متفاوت و جالبی است
های زیادی راه آدم یادآوری

از ستراحت شاملو، اخوان و دیگران
 نوشت که بر ف دیپاد و اینستگرام
 داشت از عکس و فیلم بارش بر
 با یک استوری بهشت پنجره خانه
 انشین شروع می شد. بعد هم
 ی از آسمان با شعرهایی از شاملو،
 خوان و: «برف نو، برف نو، سلام،
 نشین، خوش نشتنهای بر نام...»
 ت شیشه برف می بارد، ت شیشه
 برف می بارد/ در سکوت سینما
 دانه اندوه می کارد... شور ماجرا،
 امده، جماعت توئیتی شروع
 دبه غرغ کردن و کیر اند
 عت اینستگرامی که... پشت
 خانه ما برف می آید و لازم
 توی اینستگرام گزارش آید و هوا
 پنجه ما با برف باید. قشنگ
 ی دی اینستگرام در دسترس
 یتیر ما باز نمی شد. قطع اینترت
 خردیهای خودش را داشت ولی
 هر کسی رفت پشت پنجره،
 ققط از خودش نگاه کرد و...
 اش را از جیبش بیرون نیاورد. از
 ت برد، لذتی که خیلی وقتها
 بهیه عکس و تولید محتوا برای
 تاگرام، گروههای تلگرامی و...

سریخ می‌کنیم برای اینستاگرام نه لذت
اینستاگرام آمده است، آدم‌ها
ز لذت‌هایشان را فدای پست
توری می‌کنند. برخی حاضرند

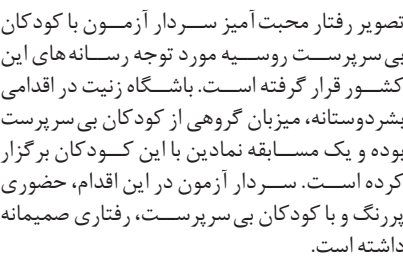
به جای تجربه زندگی و لذت‌هایش، فقط از آن‌ها عکس می‌گیریم و حواسمان نیست که چه چیزهایی را این وسط از دست می‌دهیم.

قدیم ترها هم از خودمان عکس می گرفتیم، ولی با عکس‌های الان خیلی فرق داشت. یک فرقتی سختی تهیه ن بود. تا نگاتیو به چاپ خانه می رفت و عکس آماده می شد، چند هفته طول می کشید و دست‌آورد خروفتی عکس می دیدی. می فهمیدی که چشم‌های بسته افتاده است اما فرق اصلی در هدف و فلسفه عکس بود؛ قدیم ترها عکس می گرفتند تا یاد و خاطره را با اتفاق یا دورهمی را زنده نگه‌داریم، اصلاً برای همین اسمش «عکس یادگار» یا «بود» بود. حالا خود عکس گرفتن و انتشار آن، به هدف اصلی خیلی از فعالیت‌ها، از

تبدیل شده است. میل زیاد ما به نشان دادن سریع و آنلاین لحظه‌هایمان و گرفتن تایید از دیگران به کمک لایک‌ها و کامنت‌ها، اگرچه در مرحله اول لذت‌بخش است، به آرامی جای درک اتفاقات و تمرکز و ارتباط با آدم‌ها را می‌گیرد.

برف پاییزی پنجشنبه و توفیق اجباری
دوری از اینستاگرام به ما یادآوری می‌کند
که لذت تمامیت و قدم زدن زیر برف، چیزی
فراتر از آن است که در اینستاگرام به
نمایش می‌گذاریم یا لایک می‌کنیم. اگر
آخون ثالث هم ترف می‌آمد، به پشت
پنجره می‌رفت و از آن عکس می‌گرفت و
به اتاق بر می‌گشت تا تمکینش را استوری
کند، هیچ وقت نمی‌توانست چنین
توصیف بی‌ظنری را در شعرش جا بدهد.
«پایس از شب رفته بود و برف می‌بارید.
چون بر افشان پاهای هزارافسانه، از
بادها فته.»

رفتار قشنگ سردار آزمون



به‌تازگی پوستی مصنوعی ابداع شده است که «سپستیم» واقعیت مجازی اپیدرمال» نام دارد و شامل یک صفحه با مساحت شش اینچ مربع از ماده‌ای انعطاف پذیر، نرم و فاذاک است که دارای ۳۰۰ محرک ارتعاشی ریز است. این صفحه به بدن فرد می‌چسبد و کسب لمس شدن را برای وی به وجود می‌آورد. به کمک این فناوری متلافردی در دست مصنوعی دارد، هنگام دست دادن می‌تواند فشار دست طرف مقابل را روی قسمتی از بدنش احساس کند. این پوست مصنوعی همچنین ابعاد جدیدی را به صنعت سرگرمی می‌افزاید. ترکیب این پوست مصنوعی با هندست واقعیت مجازی، تجربه‌ای واقعی تر برای بازی‌ها را برای افراد فراهم خواهد کرد.

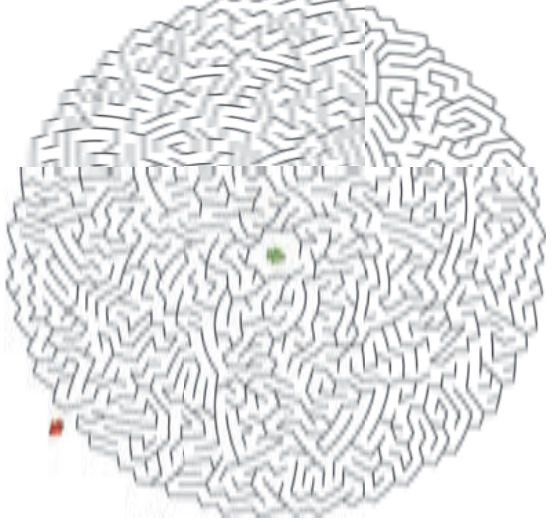
Two Dutch football players in orange jerseys are celebrating on the field. One player is holding a trophy or a small flag. The background shows a green pitch and a white line.

جورجی واینالدم و فرانکی، ستاره های فوتبال تیم ملی هلند، در واکنش به شعارهای نژادپرستانه در روز شنبه های اروپا دست به حرکتی جان دزدند. در جریان پرتوی ۵۰ بر صفر هلند مقابل استونی که با هت تریک جورجی و واینالدم همراه شد، ستاره های پرتوی ملی هلند دست به تمر رساندن گل اول خورد و به مقام بر گزای جشن شادی، در کنار فرانکی دی یونگ، دستان خود را کنار یکدیگر قرار دادند و به رنگ پوست متضاد خود اشاره کردند تا نشان دهند که تفاوتی بین آنها وجود ندارد. جورجی و واینالدم هم فرانکی دی یونگ بعد از پایان بازی، این تصویر را در صفحه اینستاگرام خود قرار دادند. رونالد کومان، سرمربی هلند، نیز بعد از بازی از رفتار واینالدم و دی یونگ تمجید و تاکید کرد که هلند تیمی متحد است.

Page 10 of 10

آفت ندارد

					لحظه				
				روده کوچک					
				زایاس					

[illegible]

Journal of Management Inquiry 18(6) 709–724

قوانین سودو کوی پازلی درست مثل سودو کوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودو کوی معمولی ۹×۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودو کوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که به خاطر خطوط پر رنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرند.

Figure 1 shows a 10x10 grid of numbers and a 10x10 grid of letters. The numbers are arranged in a 10x10 grid, and the letters are arranged in a 10x10 grid. The numbers are: 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10. The letters are: A, B, C, D, E, F, G, H, I, J. The numbers are arranged in a 10x10 grid, and the letters are arranged in a 10x10 grid. The numbers are: 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10. The letters are: A, B, C, D, E, F, G, H, I, J.

	ی	ی	شہادت	ر	ی	دام	س
ا	ا	ایزار کار	ا	باسواد	ک	ت	ت

[illegible]

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

با هم بشنویم؛
 ماجرای عشق
 کی فزونر؟
 سینا شعبان قانی
 ترانه اش از
 کیه؟
 بیتا طایب
 آهنگ سازش
 کیه؟
 میلاد اسدی
 وس و والاش
 چیه؟
 تنگی و احساسی،
 لکه از عشق

